

ضرورت آموزش موضوعات جنسی و نقش موثر و پیشگیرانه رسانه

رضا رزاقی^۱

چکیده

یافته‌های تحقیقی حاکی است که بیشتر نوجوانان جامعه ما در دستیابی به منابع معتبر موضوعات جنسی با محدودیت مواجه بوده و در این زمینه برای آنها برنامه‌های آموزشی مورد نیاز طراحی و برنامه‌ریزی نشده است. برخی یافته‌ها نشان می‌دهند نوجوانان به طور متوسط ۸ ساعت در مقابل صفحات الکترونیکی قرار دارند. این یافته‌ها به رابطه‌ای نیرومند بین برنامه‌های ارائه شده در رسانه و رفتار جنسی نوجوانان اشاره دارند، به طوری که تلویزیون نه تنها می‌تواند به شیوه‌ای قدرتمند بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای نوجوانان اثر داشته باشد بلکه بر شروع زود هنگام رفتارهای جنسی یا به تأخیر انداختن آن نیز موثر باشد. اما با نبود برنامه‌های جامع آموزشی در این زمینه گاهی این شبهه ایجاد می‌شود که با اتخاذ یک نوع رویکرد انفعالی و انکاری به ویژه از سوی نهادهای مسئول مانند آموزش و پرورش، صدا و سیما و...؛ در عمل رسالت و وظیفه آموزش موضوعات جنسی بدون متولی باقی مانده است و وظیفه آموزش موضوعات جنسی نوجوانان به نوعی به رسانه‌های خارجی و تصاویر هرزه‌نگاری واگذار شده است. بنابراین در راستای برنامه‌های مقتدرسازی، نه تنها کودکان و نوجوانان، مریبان و والدین، نیازمند دریافت اطلاعات و منابع مناسب علمی به ویژه آموزش‌های منظم و مستمر هستند، بلکه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان حوزه مراقبت از کودکان نیز باید در تدوین و پایه‌گذاری سیاست‌های شفاف، مشخص و کاربردی گام اساسی بردارند. بنابراین رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما می‌توانند ضمن ارائه برنامه‌های متنوع، به طور جانشینی الگوهای مثبتی را معرفی تا نوجوانان در انتخاب و همانندسازی با آنها به شیوه‌ای موثر و مفید درباره سلامت جنسی خود تصمیم بگیرند. در عین حال این مهم است که رسانه برای ورود به مباحث مرتبط با سلامت جنسی و آموزش موضوعات جنسی عوامل و متغیرهای مهمی مانند رویکرد شفاف و مبتنی بر شواهد، بهره‌گیری از دانش و تخصص بین‌رشته‌ای و تنوع مخاطبین را مورد توجه قرار دهد.

واژه‌های کلیدی:

آموزش موضوعات جنسی، سلامت جنسی، نقش رسانه، مقتدرسازی نوجوانان

بازتاب اندیشه (فصلنامه تخصصی مطالعات راهبردی رسانه). ویژه نامه سلامت جنسی. پاییز ۱۳۹۳. شماره ۶. پیاپی ۱۲۱.

مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.

مقدمه

در مسیر رشد و تحول انسان، کودکان و نوجوانان نیازمند محیطی هستند تا اطلاعات و آموزش‌های مناسب و متناسب با رشد را دریافت کنند و بتوانند تکالیف رشدی^۲ دوره‌های مختلف زندگی را با موفقیت پشت سر بگذارند. در این مسیر شاید یکی از مهمترین نیازهای آموزشی کودکان و نوجوانان، آگاه شدن از رشد و تحولات جنسی خود، انگیزه‌ها، نگرش‌ها، باورهای جنسی و نحوه مدیریت رفتارهای جنسی باشد که در قالب «آموزش موضوعات جنسی»^۳ تبلور می‌یابد. آموزش موضوعات جنسی یک فرایند تغییر رفتار محسوب می‌شود که دربرگیرنده یک جریان دراز مدت کسب اطلاعات درباره زندگی خصوصی، هویت جنسی و روابط است. مهمترین هدف این آموزش‌ها توسعه رفتارهای مثبت جنسی، اتخاذ رویکردی محترمانه به خود و دیگران، دوری از تجاوز و خشونت جنسی، تجارب جنسی سالم، برنامه‌ریزی برای پدر و مادر شدن، پیشگیری از بارداری‌های دوره نوجوانی، سقط جنین و بیماری‌های آمیزشی است (رزاقی، ۱۳۹۳).

در حالی که والدین در حوزه آموزش موضوعات جنسی، مریبان اولیه فرزندانشان به حساب می‌آیند، اما به نظر می‌رسد آنها در این زمینه و در بیشتر مواقع نیازمند کمک و تشویق هستند، و برای والدین، مریبان و آموزگاران این یک چالش اخلاقی است که آیا درباره مباحث جنسی با کودکان در منزل، مدرسه یا موسسات مراقبتی صحبت شود یا خیر؟

با توجه به این مباحث به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر، اقدامات متعددی مبنی بر ضرورت آموزش موضوعات جنسی کودکان و نوجوانان در ایران در قالب تربیت جنسی با رویکرد دینی و اسلامی (فقیهی، شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۷) و ضرورت گنجاندن سرفصل‌های تربیت جنسی در کتب درسی (فرمیهنی فراهانی، ۱۳۸۳) انجام گرفته که از سوی والدین، معلمین و دانش‌آموزان نیز مورد استقبال قرار گرفته است. با این حال نتایج پژوهشی نشان می‌دهند که علیرغم استقبال والدین، معلمین و حتی دانش‌آموزان نسبت به گنجاندن برخی سرفصل‌های تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه (فقیهی، شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۷)، آگاهی اندک خانواده‌ها درباره مباحث تربیت جنسی (سبحانی‌نژاد، همایی و علیین، ۱۳۸۵)، توانایی اندک معلمین و مریبان بهداشت مدارس در انتقال اطلاعات به نوجوانان (ابوالقاسمی، مرقاتی خوبی و تقدیسی، ۱۳۸۹) و تقویت نگرش‌های سلامت‌محور جنسی در میان مریبان به عنوان یک عامل میانجی در ارتقاء سلامت جنسی^۴ نوجوانان

^۲ - developmental tasks

^۳ - sexuality education

^۴ - sexual health

(رزاقی، ۱۳۹۱) از چالش‌های اصلی برای این آموزش‌ها باشد. با وجود این به جز برنامه‌های آموزشی پیشگیرانه از واکا/ایدز که بیشتر برای افراد در معرض خطر انجام می‌گیرد، هنوز در ایران برنامه مشخصی برای نوجوانان و دانش‌آموزان وجود ندارد و بیشتر، تأکید بر گنجاندن برخی سرفصل‌ها در کتب درسی و آموزش‌های مبتنی بر خانه^۵ است.

آموزش موضوعات جنسی و نقش رسانه

یافته‌های تحقیقی حاکی است که بیشتر نوجوانان جامعه ما در دستیابی به منابع معتبر موضوعات جنسی با محدودیت مواجه بوده و در این زمینه نه تنها آموزش‌های موثر را دریافت نکرده بلکه برای آنها دوره‌های آموزشی مورد نیاز نیز طراحی و برنامه‌ریزی نشده است. این موضوع آنجا اهمیت می‌یابد که در اغلب موارد مهمترین منابع نوجوانان در دستیابی به اطلاعات جنسی، دوستان و همسالان و رسانه‌های تصویری همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی و تصاویر و صحنه‌های هرزه‌نگاری است (رزاقی، برجعلی، سهرابی، دلاور ۱۳۹۲).

برخی یافته‌ها (ربرتز^۶، فوهر^۷ و ریدو^۸، ۲۰۰۵) نشان می‌دهند نوجوانان به طور متوسط ۴ روز در هفته و هر روز حداقل به مدت ۲ ساعت در مقابل یک صفحه الکترونیکی (تلویزیون، رایانه، گوشی تلفن همراه و ...) قرار دارند. این یافته‌ها به رابطه‌ای نیرومند بین برنامه‌های ارائه شده در رسانه و رفتار جنسی نوجوانان اشاره دارند، به طوری که نشان می‌دهند تلویزیون نه تنها می‌تواند به شیوه‌ای قدرتمند بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای نوجوانان اثر داشته باشد بلکه بر شروع زود هنگام رفتارهای جنسی یا به تأخیر انداختن آن نیز موثر باشد (کولینز^۹ و همکاران، ۲۰۰۴). برای مثال برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که ۸۳ درصد محتوای برنامه‌های پخش شده در شبکه‌های تلویزیونی در امریکا به نوعی دربرگیرنده موضوعات جنسی هستند و این میزان وابسته به نوع برنامه مانند برنامه‌های عمومی و نما آهنگ‌ها متفاوت است (کانکل^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ وارد^{۱۱}، ۲۰۰۳). اگر چه باید توجه داشت که لزوماً همه این برنامه‌های تلویزیونی منفی نیستند و برنامه‌های مفید، موثر و علمی فراوانی در میان این برنامه‌ها مشاهده می‌شوند.

⁵ - evidence based

⁶- Roberts,

⁷- Foehr

⁸- Rideout

⁹- Collins

¹⁰- Kunkel

¹¹- Ward

با این حال در کشور ما گزارش‌های موردی تکان دهنده‌ای وجود دارند که نشان می‌دهند چگونه رویدادها و کنجکاو‌های جنسی نوجوانان با انکار و تنبیه روبه‌رو می‌شوند و در برخی موارد حتی به سوءاستفاده از آنها نیز منجر شده است. در حالی که خانواده‌ها علاقه‌مندند تا نقش موثر و فعالی را در آموزش جنسی فرزندان خود به عهده بگیرند، اما با نبود برنامه‌های جامع آموزشی در این زمینه گاهی این شبهه ایجاد می‌شود انگار آمادگی لازم برای پاسخگویی صحیح و برخورد مناسب با این رویدادها وجود ندارد و با اتخاذ یک نوع رویکرد انفعالی و انکاری به ویژه از سوی نهادهای مسئول مانند آموزش و پرورش، صدا و سیما و سایر نهادهای مرتبط؛ در عمل رسالت و وظیفه آموزش موضوعات جنسی بدون متولی باقی مانده است.

مادامی که این شرایط و مخاطرات وجود دارند، جهت‌گیری موثر، مداخلات پیشگیرانه‌ای است که با تجارب کودکان و نوجوانان هماهنگ و سازگار باشد. بنابراین ضروری است که دانش جنسی نوجوانان با ارائه اطلاعات صحیح و شفاف بهبود یابد (نیانزی^{۱۲}، و نیانزی و کالینا^{۱۳}، ۲۰۰۵). این در حالی است که بی‌اقتداری کودکان و نوجوانان، هنگامی به طور چشمگیری افزایش می‌یابد که دانش و اطلاعات آنها محدود و بازداری شود (بروسکاس^{۱۴}، ۲۰۰۸).

در راستای برنامه‌های مقتدرسازی^{۱۵}، نه تنها کودکان و نوجوانان، مریبان و والدین، نیازمند دریافت اطلاعات و منابع مناسب علمی به ویژه آموزش‌های منظم و مستمر هستند، بلکه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان حوزه مراقبت از کودکان نیز باید در تدوین و پایه‌گذاری سیاست‌های شفاف، مشخص و کاربردی گام اساسی بردارند. ورود علمی به مباحث جنسی به ویژه آموزش موضوعات جنسی، از آنجا ضرورت و اهمیت می‌یابد که واقعیت‌های زندگی اجتماعی بیانگر رویدادهای عینی و مهمی در این زمینه همچون شروع موج سوم HIV/AIDS هستند (دبیرخانه کارگروه کشوری ایدز، ۱۳۸۸) و این درحالی است که به نظر می‌رسد با اتخاذ رویکرد انفعالی رسالت و وظیفه آموزش جنسی نوجوانان به نوعی به رسانه‌های خارجی و تصاویر هرزه‌نگاری واگذار شده است (رزاقی، برجعلی، سهرابی، دلاور ۱۳۹۲). در همین زمینه نوجوانان به موازات دسترسی به پیام‌های این رسانه‌ها، برداشت‌های خاص خود را نیز شکل می‌دهند، نگرش مثبت به مشاهده تصاویر پورنوگرافی، نگرش‌های سهل‌گیرانه به داشتن رابطه جنسی در دوره نوجوانی و پیش از ازدواج و اینکه مشاهده و تجربه رابطه جنسی معادلی برای

12- Nyanzi

13- Kalina

14- Bruskas

15- empowerment

دانش جنسی باشد، از موضوعاتی است که نشان می‌دهد این جمعیت تا چه اندازه در معرض سوءبرداشت‌های^{۱۶} خاص درباره موضوعات و مناسبات جنسی هستند.

با این حال سوال اساسی این است که در نبود برنامه‌های جامع آموزش موضوعات جنسی و همچنین نبود متولی مشخص در این زمینه؛ چگونه می‌توان از ظرفیت رسانه به ویژه تلویزیون برای بهبود مناسبات اجتماعی، ارتقاء سلامت جنسی، اهمیت پرهیز و خویش‌ن‌داری در نوجوانان و تقویت رفتارهای سالم جنسی بهره جست؟

اگر چه تحقیقات اخیر نتایجی را منتشر کرده‌اند که به اثرات مثبت و آموزشی تلویزیون در بهبود و ارتقاء سلامت جنسی و سمت و سوی کاربردی آن پرداخته است (وارد، دی^{۱۷} و اپستین^{۱۸}، ۲۰۰۶)، اما نباید این موضوع را از یاد برد که مسئولیت سلامت به ویژه سلامت جنسی جامعه فقط به عهده رسانه نیست بلکه رسانه ابزاری مفید برای ارتقاء سلامت جنسی محسوب می‌شود که با مدیریت علمی و تخصصی آن بتوان دست‌آوردهای مثبت و چشمگیری به وجود آورد. برای مثال کولینز و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی اثرات یک برنامه داستانی تلویزیونی بر روی رفتارها و سلامت جنسی نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال پرداختند که بالغ بر یک میلیون و هفتصد هزار مخاطب نوجوان داشت. یافته‌های آنها نشان داد ۱۵ درصد نوجوانان، مطالب جدیدی از این برنامه درباره سلامت جنسی یاد گرفتند، تقریباً ۶۰ درصد نه گفتن به یک موقعیت جنسی را یاد گرفتند و نزدیک ۴۰ درصد دیدگاه خود را درباره‌ی بیماری‌های آمیزشی و نحوه مراقبت از خود تغییر دادند. مهمترین بخش یافته‌های آنها این بود که این برنامه نوجوانان را تشویق می‌کرد که با والدین خود یا افراد بزرگسال مطمئن مانند روان‌شناسان درباره مسائل و چالش‌های سلامت جنسی خود به گفتگو بپردازند.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در حوزه آموزش موضوعات جنسی اهمیت می‌یابد تدوین و ارائه‌ی برنامه‌های مداخلاتی ویژه برای این جمعیت است که بتواند از یک سو با درگیر کردن مریدان و والدین، از برخوردهای سلیقه‌ای و تنبیهی بکاهد و از سوی دیگر سلامت جنسی نوجوانان را بهبود بخشد. برنامه‌های آموزش موضوعات جنسی باید به طور جامع هم افراد بزرگسال و نیروهای انسانی و هم نوجوانان را شامل شود. علاوه بر این باید تأکید کرد با توجه به خلاءهای موجود در کشور، تدوین و ارائه «برنامه‌های آموزش

¹⁶- misconception

¹⁷- Day

¹⁸- Epstein

موضوعات جنسی» نه تنها برای نوجوانان در گروه‌های در معرض خطر بلکه برای نوجوان در جمعیت عمومی بیش از پیش احساس می‌شود که در این زمینه رسانه به ویژه صدا و سیما می‌تواند نقش مکمل و حمایتی را ایفا نماید. البته ضروری است که این نقش مهم به موازات سایر اقدامات تعریف و مشخص شود.

در حالی که روش‌های موثر و مبتنی بر شواهد فراوانی وجود دارند که در کنار برنامه‌های متنوع تلویزیونی می‌تواند به بهبود وضعیت کمک نماید، یکی از سو تفاهمات درباره‌ی آموزش موضوعات جنسی این است که با به وحشت انداختن و ترساندن نوجوانان درباره مخاطرات رفتارهای جنسی می‌توان آنها را از داشتن رابطه جنسی، دور و محافظت کرد. مهم این است که رسانه بتواند به نوجوانان را در پایه‌گذاری یک رابطه سالم و ارزشمند کمک کند. آنچنانکه وارد، دی و اپستین (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند تلویزیون می‌تواند به طور جانشینی الگوهای مثبتی را معرفی کند تا نوجوانان در انتخاب و همانندسازی با آنها به شیوه‌ای موثر و مفید درباره سلامت جنسی خود تصمیم بگیرند. در عین حال این مهم است که رسانه برای ورود به مباحث مرتبط با سلامت جنسی و آموزش موضوعات جنسی عوامل و متغیرهایی را مورد توجه قرار دهد:

۱. شفافیت و اتخاذ رویکرد مبتنی بر شواهد: با توجه به مباحث مطرح شده برنامه‌ریزی برای ورود به مباحث حوزه سلامت جنسی توسط رسانه ملی قبل از هر چیز مستلزم پژوهش‌های کاربردی و شواهد علمی است که بتوان نیازها و چالش‌های اساسی این حوزه را مشخص و مبتنی بر این شواهد به طور شفاف برنامه‌ها و اقدامات لازم را تدوین و اجرایی نمود (فیشر^{۱۹} و فیشر^{۲۰}، ۲۰۰۰). مادامیکه شواهد حاکی از وجود مخاطرات و چالش‌های جنسی برای نوجوانان و جوانان در نبود برنامه‌های جامع مداخلاتی است، رویکردهای انکاری نمی‌تواند به جامعه و افراد کمکی نماید. بنابراین ضروری است که با یک ادبیات علمی، شفاف و صادقانه مردم و به ویژه نوجوانان و جوانان را مخاطب قرار داد.

۲. ارتقاء دانش سلامت جنسی: آموزش موضوعات جنسی فرایندی است که به عوامل مختلف بستگی دارد و وابسته به عوامل چندگانه است (مارش^{۲۱}، جانسون^{۲۲} و کاری^{۲۳}،

¹⁹ - Fisher, J

²⁰ - Fisher, W

²¹ - Marsh, K

²² - Johnson, B

²³ - Carey, M

۲۰۰۱). بنابراین یکی از متغیرهای موثر در حوزه سلامت جنسی و ارتقاء آگاهی می‌تواند نقش و اهمیت رسانه باشد. در عین حال باید توجه داشت که رسانه را نباید به تلویزیون محدود کرد و از همه ظرفیت‌های رسانه‌ای مانند تلویزیون، رادیو، مجلات، پایگاه‌های اینترنتی مرتبط، نرم‌افزارهای رسانه‌ای و ... بهره جست که این ظرفیت برای نهادی نظام‌مند مانند رسانه‌ی ملی (صدا و سیما) کاملاً متصور است. پس آنچه ضرورت می‌یابد این است که رسانه‌ی ملی می‌تواند با کمک متخصصین حوزه سلامت جنسی محصولات معتبر و موثر را برای مخاطبین تولید و عرضه نماید. این محصولات لزوماً بحث‌ها و میزگردهای تخصصی را دربر نمی‌گیرد بلکه این محصولات می‌تواند به طور همه جانبه و خلاقانه داستان‌های تلویزیونی، انیمیشن‌های آموزشی و هر ایده خلاقانه دیگر را دربرگیرد.

۳. نقش دانشمندان و تخصص‌های بین رشته‌ای: سلامت جنسی مبین رابطه‌ای است مبتنی بر ارزش‌های شخصی و اجتماعی افراد، همراه با رضایت دوطرفه، صداقت، و به دور از هر گونه اجبار و خشونت و همچنین محافظت در برابر بارداری ناخواسته و بیماری‌های آمیزشی. آنچه از این تعریف می‌توان استنباط کرد این است که برای ارتقاء سلامت جنسی افراد به ویژه نوجوانان ضروری است به جوانب و ابعاد مختلف سلامت جنسی توجه داشت که این خود ضرورت حضور و به کارگیری متخصصین حوزه‌های مختلف پزشکی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه علوم رفتاری را می‌طلبد (رزاقی، ۱۳۹۳). بدون بسیج و هماهنگی کارشناسان حوزه‌های مختلف و بهره‌گیری از دانش و تخصص آنها، هر نوع تولید محتوایی به ویژه مطالب رسانه‌ای می‌تواند بی‌تاثیر و بدون مخاطب بماند.

۴. پرهیز از سکتاریسم و اثر هاله‌ای: در اینجا منظور از سکتاریسم این است که رسانه‌ی ملی بتواند نقش و رسالت خود را برای عموم مردم ایفا نماید و مخاطب فراگیر داشته باشد و برنامه‌های حوزه سلامت جنسی به گونه‌ای نباشد که فقط مخاطبین خاص با گرایش‌های فکری خاص داشته باشند و نتایج را فقط برای یک گروه یا اقلیت، برجسته سازد و به سمت تقویت اثر هاله‌ای در مخاطبین خاص خود باشد. این موضوع آنجا اهمیت می‌یابد که در صورت نبود برنامه‌های جذاب و فراگیر، احتمال سوق دادن مخاطبین به سمت سایر منابع یا دلزدگی و دلسردی از برنامه‌های موجود و رسانه تشدید گردد. به همین منظور وجود یک کمیته برنامه‌ریزی علمی فرهنگی در حوزه

سلامت جنسی ضروری است که بتواند سیاست‌ها و خط مشی‌های سلامت جنسی در رسانه را بازنگری، مدیریت و هدایت نماید.

۵. *ارائه الگوهای موثر و متفاوت*: تاثیر رسانه‌ها هنگامی بیشتر اهمیت می‌یابد که در کنار برنامه‌های مداخلاتی آموزشی، توانایی تفکر انتقادی و خلاق نوجوانان و قدرت تصمیم‌گیری موثر آنها را در مواجهه با موقعیت‌های دشوار و تهدید کننده سلامت جنسی تقویت نماید. به همین منظور آنچه اهمیت می‌یابد ارائه الگوها و شخصیت‌های موفق و موثری است که به طور جانشینی (بندورا^{۲۴}، ۱۹۹۸) بتوانند مخاطبین را آموزش داده و مخاطبین نیز بتوانند آنها و شیوه عمل آنها را به عنوان یک شیوه و راهکار مفید مورد توجه و بهره برداری قرار دهند. بنابراین تعیین این افکار و رفتارهای مفید و موثر، نحوه معرفی آنها و انتخاب شخصیت‌هایی که به عنوان الگوی رفتاری معرفی می‌شوند، از حساسیت بالایی برخوردار است که مطمئناً در این زمینه متخصصین علوم رفتاری می‌توانند نقش مهمی ایفا نمایند.

منابع

- ابوالقاسمی، نادیا؛ مرقاتی خویی، عفت السادات تقدیس، محمد حسین (۱۳۸۹) تبیین تربیت جنسی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی. *مجلسه بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی* ۸(۲)-۳۹-۲۷.
- رزاقی، رضا (۱۳۹۱) اثربخشی دوره‌های آموزش جنسی بر دانش و نگرش جنسی مربیان شاغل در مراکز مراقبت شبانه‌روزی از کودکان و نوجوانان. *نواندیش سبز. فصلنامه آموزشی پژوهشی بهزیستی استان تهران*. سال ۶ (شماره ۲۱). ۵-۸.
- رزاقی، رضا. (۱۳۹۳). *آموزش موضوعات جنسی*، نشر دانژه، تهران
- رزاقی، رضا. برجعلی، احمد. سهرابی، فرامرز. دلاور، علی (۱۳۹۲) چالش‌های سلامت جنسی نوجوانان جدا شده از خانه، ارزیابی و راه‌کارها. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ویژه نامه سلامت شماره ۴۸. ۷۱-۹۰
- سبحانی نژاد، مهدی؛ همایی، رضا و علیین، حمید (۱۳۸۵) بررسی تحلیل سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*. ۶(۲۱)/۴۸-۲۷.
- فرمهبینی فراهانی، حسن (۱۳۸۳) محتوای مناسب برای تربیت جنسی دو کتب درسی دوره متوسطه. *دو فصلنامه دانشور رفتار*. ۹-۱۴-۱.
- فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم (۱۳۸۷) آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان شناختی. *دو فصلنامه‌ی تربیت اسلامی*. ۳(۷) ۸۰-۵۱.

- Bandura, A. (1998). Health promotion from the perspective of social cognitive theory. *Psychology and Health, 13*, 623-649.
- Bruskas, D. (2008). Children in Foster Care: A Vulnerable Population at Risk. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing, 21*(2) .70–77.
- Collins, Rebecca L., Marc N. Elliott, Sandra H. Berry, David E. Kanouse, and Sarah B. Hunter, (2003) "Entertainment Television as a Healthy Sex Educator: The Impact of Condom-Efficacy Information in an Episode of *Friends*," *Pediatrics*, Vol. 112, No. 5, November 2003.
- Collins, Rebecca L., Marc N. Elliott, Sandra H. Berry, David E. Kanouse, Dale Kunkel, Sarah B. Hunter, and Angela Miu, (2004) "Watching Sex on Television Predicts Adolescent Initiation of Sexual Behavior," *Pediatrics*, Vol. 114, No. 3,
- Fisher, J.D., & Fisher, W.A. (2000). *Theoretical approaches to individual level change in HIV risk behavior*. In J. Peteson, & R. DiClemente (Eds.), *Handbook of HIV Prevention*. New York: Plenum, pp. 3-55.
- Kunkel, D., Eyal, K., Biely, E., Cope-Farrar, K., Donnerstein, E., & Fandrich, R. (2003). *Sex on TV 3: A biennial report to the Kaiser Family Foundation*. Menlo Park, CA: Kaiser Family Foundation.
- Marsh, K.L., Johnson, B.T., & Carey, M.P. (2001). Conducting meta-analyses of HIV prevention literatures from a theory-testing perspective. *Evaluation & the Health Professions, 24*, 255-276.
- Nyanzi, S., Nyanzi, B, and Kalina, B (2005). Contemporary Myths, Sexuality Misconceptions, Information Sources, and Risk Perceptions of *Bodabodamen* in Southwest Uganda. *Journal of Sex Roles*. 52, (1-2), 111-116
- Roberts, D., Foehr, U., & Rideout, V. (2005, March). *Generation M: Media in the lives of 8–18 year olds*. Menlo Park, CA: Henry J. Kaiser Family Foundation.
- Ward, L. M. (2003). Understanding the role of entertainment in the sexual socialization of American youth: A review of empirical research. *Developmental Review, 23*, 347–388.
- Ward, L, M . Day, K, M. Epstein, M (2006) *Uncommonly Good: Exploring How Mass Media May Be a Positive Influence on Young Women's Sexual Health and Development*, *New Directions for Child and Adolescent Development*, no. 112, 57–70